

ای علمای مسلمان، شما کجایید؟!

الله سبحانه و تعالی می فرماید:

﴿إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ﴾ [فاطر: 28]

ترجمه: در میان بندگان الله (سبحانه و تعالی) تنها علماء هستند که از او می ترسند.

رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند:

«صنفتان من الناس إذا صلحا صلح الناس وإذا فسدا فسد الناس: العلماء والأمرء»

ترجمه: دو گروه از انسان ها هستند که اگر اصلاح شوند، مردم اصلاح خواهند شد و اگر فساد کنند، مردم فاسد خواهند شد: علماء و امرء.

این حدیث را ابونعیم در کتاب الحلیة از ابن عباس روایت کرده و سیوطی در کتاب الجامع الصغیر با همین الفاظ ذکر کرده است. علماء همان کسانی هستند که الله سبحانه و تعالی آنان را با فهم دین و علوم اسلامی گرامی داشته و با حکمت و معرفت برتری داده است. آنان آگاه ترین مردم نسبت به حلال و حرام بوده و شایسته ترین افرادی هستند که باید عظمت الله سبحانه و تعالی را درک کنند؛ از این رو، شایسته است که بیش از همه از الله سبحانه و تعالی تقوا نمایند. آنان مسئولیت حمل پرچم علم و سپس عمل برای تغییر وضعیت را بر عهده دارند. کسی که چنین ویژگی های دارد، تلاش می کند وظایف خود را در نصرت و نشر حق انجام دهد و به هر کسی که به نصیحت نیاز دارد، خواه حاکمان باشند یا مردم عادی، نصیحت و هدایت دهد. همچنین، مردم را با حق آشنا سازد، آنان را به معروف امر کند و از اعمال منکر بازدارد؛ زیرا این از بزرگ ترین واجبات است. رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند:

«والذي نفس محمد بيده، لتأمرنَّ بالمعروف ولتنهونَّ عن المنكر أو ليوشكنَّ أن يبعث الله عليكم عقاباً منه، ثم تدعونه فلا يستجاب لكم»

ترجمه: سوگند به کسی که جان محمد در دست اوست، باید امر به معروف و نهی از منکر کنید، و گرنه الله (سبحانه و تعالی) به زودی عذابی بر شما نازل می کند؛ سپس دعا می کنید، اما دعای شما اجابت نخواهد شد.

علماء شایسته ترین افراد برای عدالت با مظلوم و مبارزه با ظلم هستند. رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند:

«سید الشهداء حمزة ورجل قام إلى حاكم ظالم فأمره ونهاه فقتله»

ترجمه: سید الشهداء حمزه است و نیز مردی که نزد حاکم ظالم رفت، او را امر به معروف و نهی از منکر کرد و در نتیجه کشته شد.

همچنین فرمودند:

«أفضل الجهاد كلمة حق عند سلطان جائر»

ترجمه: بهترین جهاد، گفتن کلمه حق در برابر سلطان ستمگر (از حق منحرف شده) است.

چه کسی می‌تواند مانند عالم، میان حق و باطل، عدالت و ظلم فرق قایل شود؟ و چه کسی می‌تواند مانند عالم، راه حق و طریقه شرعی برای تغییر را بشناسد؟ به همین دلیل است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: صلاح جوامع به صلاح امراء و علماء وابسته است و فساد آنها نیز به فساد این دو گروه مربوط می‌شود. اگر امیری قصد فساد داشته باشد، علماء در صورتی که علمای ربانی باشند، او را بازمی‌دارند. چنین علمایی در هر زمان و مکانی وجود دارند.

قابل توجه است که نصوص وحی از قرآن و سنت بر بیان فضیلت علم و علماء و ذکر جایگاه والای آنان تأکید کرده‌اند. از جمله: الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ﴾ [آل عمران: 18]

ترجمه: الله (سبحانه و تعالی) گواهی می‌دهد که معبودی جز او نیست، و فرشتگان و صاحبان علم نیز گواهی می‌دهند؛ در حالی که به عدالت قیام کرده‌اند.

در این آیه، الله سبحانه و تعالی ابتدا خود را ذکر کرده، سپس فرشتگان را و در ادامه اهل علم را، که این خود نشان‌دهنده شرف و جایگاه والای آنان است. الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ﴾ [مجادله: 11]

ترجمه: الله (سبحانه و تعالی) کسانی را که ایمان آورده‌اند و کسانی را که به آنان علم داده شده، درجاتی بلند می‌کند.

ابن عباس رضی الله عنهما گفته است: درجات علماء هفتصد درجه بالاتر از درجات مؤمنان است و فاصله میان هر دو درجه، پنصد سال است. الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿وَقَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَيَلَكُمْ ثَوَابُ اللَّهِ خَيْرًا مِّنْ ءَامَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا﴾ [قصص: 80]

ترجمه: و کسانی که علم به آنها داده شده است، گفتند: وای بر شما! پاداش الله برای کسی که ایمان آورده و عمل صالح انجام دهد، بهتر است.

قال رسول الله صلی الله علیه وسلم:

«من یرد الله به خیرًا یفقهه فی الدین ویلهمه رشه»

ترجمه: هر کس را که الله بخواهد به او خیری برساند، او را در دین آگاه می‌کند و رشد و هدایت را به او الهام می‌نماید.

رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند:

«العلماء ورثة الأنبياء»

ترجمه: علماء وارثان انبیاء هستند.

روشن است که هیچ مقامی بالاتر از نبوت نیست و هیچ شرافتی بالاتر از وراثت آن مقام وجود ندارد. همچنین فرمودند:

«یستغفر للعالم ما فی السموات والأرض»

ترجمه: برای عالم، هر آنچه در آسمان‌ها و زمین است، استغفار می‌کند.

پس چه مقامی بالاتر از کبی است که فرشتگان آسمان‌ها و زمین برای او استغفار می‌کنند؟! و فرمودند:

«موت العالم مصیبة لا تجبر و ثلثة لا تسد. وموت قبيلة أیسر من موت عالم، وهو نجم طمس»

ترجمه: مرگ عالم، مصیبتی جبران‌ناپذیر و رخنه‌ای پرنشدنی است. مرگ یک قبیله آسان‌تر از مرگ یک عالم است، و او ستاره‌ای است که خاموش شده است.

این حدیث را طبرانی از ابودرداء روایت کرده است و فرمودند:

«یوزن يوم القيامة مداد العلماء بدم الشهداء»

ترجمه: در روز قیامت، جوهر قلم علماء با خون شهدا سنجیده می‌شود.

رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند:

«فضل العالم علی العابد کفضلی علی أدناکم، ثم قال رسول الله صلی الله علیه وسلم إنَّ الله وملائکته وأهل السماوات والأرض حتی النملة فی جحرها وحتی الحوت لیصلون علی معلّم الناس الخیر»

ترجمه: فضیلت عالم بر عابد، همچون فضیلت من بر پایین‌ترین شماس است. سپس فرمودند: الله (سبحانه و تعالی) و فرشتگان او، و اهل آسمان‌ها و زمین، حتی مورچه در لانه‌اش و حتی ماهی، برای کسی که به مردم نیکی و خیر را آموزش می‌دهد، دعا می‌کنند.

همچنین فرمودند:

«فضل العالم علی العابد کفضل القمر لیللة البدر علی سائر الکواکب»

ترجمه: فضیلت عالم بر عابد، همچون فضیلت ماه شب چهارده بر سایر ستارگان است.

و فرمودند:

«یشفع يوم القيامة ثلاث: الأنبياء والعلماء والشهداء»

ترجمه: در روز قیامت سه گروه شفاعت می‌کنند: انبیاء، علماء و شهدا.

از سیدنا علی بن ابی‌طالب رضی الله عنه نقل شده است: «دل‌ها ظرف‌هایی هستند و بهترین آن‌ها، دل‌هایی است که بیشتر ظرفیت دارند، آنچه را که می‌گویم به خاطر بسپار: مردم سه دسته‌اند: عالم ربانی، جوینده‌ای در مسیر نجات و عوام سرگردان که پیرو هر صدایی هستند و با هر بادی تغییر جهت می‌دهند. اینان نه از نور علم بهره برده‌اند و نه به ستون محکمی پناه برده‌اند. علم بهتر از مال است. علم از تو محافظت می‌کند؛ اما تو باید از مال محافظت کنی. علم با عمل رشد می‌کند، اما مال با خرج شدن کاهش می‌یابد. محبت به عالم، دینی است که مردم به آن پایبند می‌شوند. علم، برای عالم در زمان حیاتش، اطاعت و احترام به همراه می‌آورد و پس از مرگ، نامی نیکو از او به جا می‌گذارد. اما تأثیر مال، با زوال آن از بین می‌رود. خزانه‌داران مال، در حالی که زنده‌اند، مردده‌اند؛ اما علماء تا زمانی که دنیا باقی است، زنده‌اند. جسم‌های آنان از بین رفته، اما مثال‌ها و آموزه‌های آنان در دل‌ها همچنان باقی است.»

ابو الأسود گفت: «هیچ چیزی گرامی‌تر از علم نیست؛ پادشاهان حاکمان مردم هستند و علماء حاکمان پادشاهان».

سیدنا ابن عباس رضی الله عنهما فرمود: «سلیمان بن داود علیهما السلام میان علم، مال و پادشاهی مخیر شد. او علم را انتخاب کرد و در نتیجه، مال و پادشاهی نیز به او داده شد».

از ابن مبارک پرسیدند: چه کسانی برترین مردم هستند؟ گفت: علماء. پرسیدند: پادشاهان چه کسانی هستند؟ گفت: زاهدان. پرسیدند: افراد پست چه کسانی هستند؟ گفت: کسانی که با فروش دین از دنیا می‌خورند. حسن بصری رحمة الله علیه گفت: «اگر علم نبود، مردم همچون چارپایان می‌شدند»

امام ابو حامد غزالی رحمة الله علیه فرمود: «سیره و روش علماء در امر به معروف و نهی از منکر چنین بود: آن‌ها از هیبت و قدرت سلاطین هراسی نداشتند، زیرا به فضل الله سبحانه و تعالی توکل کرده بودند که آن‌ها را حفاظت کند و به حکم او راضی بودند که شهادت را نصیب‌شان گرداند. هنگامی که نیت خود را برای الله خالص کردند، سخنان‌شان در دل‌های سخت اثر می‌گذاشت، آن‌ها را نرم می‌کرد و سختی‌شان را می‌زدود. اما امروز، طمع‌ها زبان علماء را بسته است. اگر سخن بگویند، حال و کردارشان با گفتارشان سازگار نیست، به همین دلیل تأثیری ندارند. اگر راستگو بودند و حقیقت علم را هدف می‌گرفتند، موفق می‌شدند. فساد رعیت به فساد حاکمان، فساد حاکمان به فساد علماء و فساد علماء به سبب غلبه محبت مال و مقام برمی‌گردد. کسی که محبت دنیا بر او غالب شود، حتی توان امر به معروف و نهی از منکر برای ارادل را نخواهد داشت، چه رسد به پادشاهان و بزرگان».

از این نصوص، شامل آیات، احادیث و اقوال مأثوره، به روشی درمی‌یابیم که اسلام جایگاهی رفیع برای علماء قائل شده است. این جایگاه به دلیل نقش بزرگ آن‌ها در حمل پرچم هدایت، دعوت به سوی حق و نصیحت به امت اسلامی است. علماء با علم و دانش خود این امانت الهی را بر دوش گرفته‌اند و شایسته‌ترین افراد برای اعتماد و پیروی بوده‌اند، البته مشروط بر این‌که علمای ربانی و یارانی برای حق در برابر باطل و نصیحت‌گرانی واقعی برای حاکمان باشند. این ویژگی‌ها همان چیزی است که علماء در تاریخ اسلام، به‌ویژه در دوران حکومت‌های اسلامی، از آن برخوردار بودند. تاریخ پرافتخار اسلامی سرشار از نمونه‌های ایستادگی در برابر ظالمان، مقابله با اهل باطل و عمل به امر به معروف و نهی از منکر است.

اینست حقیقت علمای ربانی و موضع آنان در هر عصر از تاریخ اسلام چنین بوده است: ایستادگی در حمایت از حق، بدون هراس از سرزنش هیچ سرزنش‌کننده‌ای، با هدف رسیدن به آخرت و بی‌اعتنایی به این دنیای گذرا و فانی.

پس شما کجا هستید، ای علماء امت! در این روزگاری که حال امت از بد به بدتر می‌رود؟! ملت‌های کافر از هرسو بر ما هجوم آورده‌اند و جز در هنگام اعلان جنگ علیه اسلام و مسلمانان، در هیچ چیزی اتحاد ندارند. شما کجا هستید، در برابر آنچه امروز پس از طوفان الاقصی رخ می‌دهد؟ خیانت حکومت‌های دست‌نشانده آشکار شده و کینه‌توزی شرق و غرب نسبت به اسلام و مسلمانان بی‌پرده نمایان گشته است.

این جنگی است سخت و بی‌امان، و امت اسلامی نیازمند کسانی است که اعتماد به دین و ایمان‌شان را در آنان تقویت کنند، روحیه‌شان را بازگردانند و در کنارشان بایستند تا با بهره‌گیری از سرچشمه‌های قدرت و عزت، به یاری حق بشتابند و سرزمین‌ها و مردمان را از بند اسارت آزاد کنند.

ای علماء، بدانید که این امانت گران‌ها را بر دوش گذاشتید، یا آن را به شایستگی ادا می‌کنید، ذمه خود را در برابر الله سبحانه و تعالی بری ساخته و پاداش دنیا و آخرت را به دست می‌آورید یا از این مقام عظیم محروم شده و در انجام این وظیفه بزرگ کوتاهی می‌کنید. آنگاه بیندیشید که روز عرضه بزرگ در پیشگاه الله سبحانه و تعالی چه پاسخی خواهید داد؛ در حالی که این امانت را خیانت کرده‌اید؟!

ای علماء، خوب متوجه باشید که رسول الله صلی الله علیه و سلم ما را از چنین زمانه‌ای آگاه ساخته اند؛ زمانی که مردم به دو گروه تقسیم خواهند شد: گروه ایمان، که در آن نفاق نیست، و گروه نفاق، که در آن ایمانی وجود ندارد.

پس چه کسی از شما سیره این تیمیه و عز بن عبدالسلام را زنده می‌کند تا عالمی ربانی شود؟ عالمی که هدایتگر دین حق و وارث نبوت باشد، تنها از الله بترسد، حق را بیان کند و در راه الله از سرزنش هیچ سرزنش‌کننده‌ای هراس نداشته باشد.

برگرفته از مجله الوعی

شماره: 460 – 461، سال سی و نهم، جمادی الاولی – جمادی الآخر 1446 هجری قمری

مطابق با دسامبر – جنوری ۲۰۲۵ میلادی

نویسنده: سلافة شومان - بیت المقدس

مترجم: احمد صادق امین